





پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به ملت بزرگ ایران
در پی جنایت سحرگاه جمعه رژیم صهیونیستی

دست قدرتمند
نیروی مسلح جمهوری اسلامی
اورا رها نخواهد کرد
بإذن الله

۱۴۰۴/۳/۲۳

 KHAMENEI.IR



ياضا



طرح نامه ایده‌های مسئله
«زندگی جاریست»



eita.com/yaafaa

گروه "اندیشه‌ورز یافا" با هدف تولید ایده برای مجموعه‌های تولید محتوای سراسر کشور به منظور مقابله‌ی همه جانبه با رژیم غاصب و آپارتاید اسرائیل تشکیل شد.

استفاده از ایده‌ها و پیشنهادات این گروه برای تولید و انتشار محتوا کاملاً آزاد است.



ایده اول:

کشنده‌ترین سلاح، بی‌توجهی است

بیان ایده:

در شرایطی که تهدید، ترس و بحران در فضای عمومی گسترش پیدا می‌کند، روحیه شوخ‌طبعی مردم ایران، به‌خصوص در مواجهه با تهدیدات، خودش به یک ابزار دفاعی تبدیل می‌شود.

ایده‌ی «کشنده‌ترین سلاح، بی‌توجهی است» با بهره‌گیری از این ظرفیت فرهنگی، بر این نکته تأکید دارد که بزرگ‌ترین پاسخ به تهدید دشمن، ادامه‌ی طبیعی زندگی است؛ آن‌هم نه فقط ادامه، بلکه با نوعی بی‌محلی قهرمانانه و شوخ‌طبعانه.

این ایده به‌صورت طنزآمیز این گزاره را جا می‌اندازد که اگر موشک دشمن به سمت ما می‌آید، ما نه با اضطراب، بلکه با خونسردی و تمرکز بر زندگی، از آن عبور می‌کنیم. این «ادامه‌دادن» خودش نوعی مبارزه است؛ نوعی دهن‌کجی به جنگ روانی دشمن.

حضور یک تهدید نباید زندگی را متوقف کند. این مفهوم را می‌توان در قالب پوسترهای طنز، موشن‌های کوتاه و متن‌های شوخ اما معنادار ارائه داد؛ پیام‌نهایی این است: ما بلدیم زندگی کنیم، حتی وقتی بمب داره میاد.

قالب‌های پیشنهادی:

قالب‌های پیشنهادی

۱. پوستر + کپشن شبکه اجتماعی

عنوان مجموعه: کشنده ترین سلاح: بی توجهی

پوستر ۱ - نانوایی

تصویر: مردی با آرامش در حال درآوردن نان سنگک از تنوره. در پس زمینه، موشک در حال نزدیک شدن. مرد یک دستش رو به نشانه «ایست» بالا آورده ولی حتی سرش رو هم برنگردونده.

کپشن:

موشک: دارم میام

مرد نانوا: اگه سوخت، خودت باید پول نونارو بدی

#نه_به_ترس

#زندگی_در_میدان_مقاومت

#کشنده_ترین_سلاح_بی_توجهیه

پوستر ۲ - پیرزن سبزی پاک کن

تصویر: پیرزن لب کوچه با دقت سبزی پاک می کنه. موشک به چندمتری اش رسیده ولی با آرامش ادامه می ده. یه دستش به نشونه «الان نه» بالا رفته.

کپشن:

موشک: تهدیدم

پیرزن: بذار سبزی رو پاک کنم بعد

#ما_اهل_زندگی_ایم

#تو_وقت_نداری؟_من_دارم

پوستر ۳ - دانش آموز در کلاس

تصویر: دختر بچه‌ای در حال حل مسئله ریاضی روی تخته‌ست. از پنجره، موشک وارد کلاس شده. دختر فقط یک دستش رو بالا آورده و می‌نویسه: « $V=1X+2$ »
کپشن:

- موشک: من او مدم..

- دانش آموز: جواب معادله رو نوشتم. برو باهاش حال کن

#درس_ادامه_داره

#بمب_بیاد_هم_امتحان_لغو_نمیشه

۲. موشن گرافی / استوری کمیک

عنوان: موشک جان، الان وقتش نیست!

سناریو ۴۵ ثانیه‌ای:

۱. صحنه اول: آژیر قرمز، هشدار حمله موشکی

۲. صحنه دوم: مردی در حال چای دادن به مادرش

۳. موشک وارد قاب میشه با صدای وووووش

۴. مرد رو به موشک: «برو بعداً بیا، مامانم تب داره»

۵. موشک کمی معطل می‌مونه، بعد مسیرشو کج می‌کنه و می‌ره

نریشن:

ما بلدیم زندگی کنیم. بلدیم نترسیم. بلدیم بخندیم.

#جنگ_روانی_خنثی

#موشک_جان_نوبت_بگیر

#زندگی_با_لبخند

۳. یادداشت کوتاه برای تلگرام / سایت خبری

عنوان: وقتی شوخی، جدی‌ترین پاسخ به تهدید می‌شه

متن:

همه منتظرن ببینن در بحران، ایران چه می‌کنه؟ موشک که بیاد، مردم چه واکنشی دارن؟ پاسخ ایران همیشه خنده‌دار بوده؛ ولی نه بی‌ارزش. خنده‌ای از روی ایمان. بی‌توجهی‌ای از روی اطمینان.

اینکه پیرزنی وسط آژیر قرمز داره سبزی پاک می‌کنه یا نانوا به موشک می‌گه «اگه نون بسوزه خودت مسئولی»، نه نشونه سادگیه، نه بی‌خیالی.

نشونه‌ی اینه که ما تصمیم گرفتیم زندگی کنیم. تهدید؟ تهدید که همیشه بوده...

ما ترمز نمی‌زنیم. چون بلدیم تهدید رو با طنز خنثی کنیم.

و این خنده، جدی‌ترین سلاح ماست.



ایده دوم:

نتانياهو به جای موشک، ترس شلیک می‌کنه

بیان ایده:

در فضای جنگ و بحران، همه نگاه‌ها به آمار کشته‌ها، موشک‌ها و ویرانی‌هاست. اما آن‌چه اغلب نادیده گرفته می‌شود، هدف اصلی و پنهان دشمن است: نابودی زندگی، نه فقط انسان‌ها.

ایده‌ی «نتانياهو به جای موشک، ترس شلیک می‌کنه» می‌خواهد نگاه مخاطب را از «جنگ فیزیکی» به «جنگ روانی» ببرد.

این ایده بر این اصل استوار است که عملیات‌های نظامی، انفجارها و تهدیدها فقط برای کشتن آدم‌ها نیست؛ بلکه می‌خواهند آن‌قدر ترس تزریق کنند که مردم از ادامه‌ی زندگی خسته شوند، امید را ببازند و به تسلیم نزدیک شوند.

این ایده دشمن را ضد زندگی معرفی می‌کند؛ دشمنی که از صدای چرخیدن چرخ زندگی بیشتر از صدای گلوله می‌ترسد.

مقابله با او، یعنی ادامه‌دادن زندگی. و به حرکت ادامه دادن.

قالب‌های اجرایی:

۱. پوستر + کپشن شبکه اجتماعی

عنوان مجموعه: ترس، سلاح جدید دشمن

پوستر ۱ - موشک/ترس افکن

تصویر: نمای شهری، یک موشک اسرائیلی اصابت می‌کند، اما به جای آتش و دود، از محل اصابت کاراکترهای ترسناک سایه‌مانند با صورت‌های رنج، فریاد، ناامیدی و خستگی بیرون می‌زنند. این سایه‌ها وارد خانه‌ها و خیابان می‌شوند. در گوشه‌ی تصویر، پدربزرگی بدون توجه به ترس‌ها، داره‌نوه‌اش رو تاب می‌ده یا مادری غذا می‌پزه.

کپشن:

دشمن همیشه دنبال کشتن ما نبوده. دنبال کشتن روح زندگی مونه.

وقتی ما لبخند می‌زنیم، شکست می‌خوره.

#زندگی_مقاومت_است

#نتانياهو_ترس_می‌فرسته

#ضد_زندگی

پوستر ۲ - صبحانه در سایه ترس

تصویر: خانواده‌ای دور سفره صبحانه نشستن. بیرون پنجره، سایه‌های ترس‌آلود چنگ می‌زنن به شیشه. ولی پدر، آرام کره روی نان می‌ماله. بچه می‌خنده. مادر چای می‌ریزه.

کپشن:

ترس باید مارو متوقف کنه... ولی ما هنوز داریم چای می ریزیم.

#سلاح_ما_زندگيه

#باور_قوی_تر_از_موشكه

پوستر ۳ - ضد زندگی

تصویر: چهره کارتونی نتانیا هو شبیه کارگردان یک فیلم ترسناک، پشت کنسولیه که موشک ها رو شلیک می کنه، ولی موشک هاش به جای کلاهک، پر از سایه های ترس و ناامیدیه.

📌 کپشن:

وقتی نتانیا هو کارگردان فیلم ترس می شه، ما می شیم قهرمانای کمدی مقاومتی!

#طنز_برنده_ترس

#موشك_ترس_زندگي_لبخند

۲. موشن گرافی / کمیک موشن یک دقیقه ای

عنوان: جنگ ترس، نه جنگ موشک

سناریو:

۱. [آژیر خطر، همه منتظر انفجارن... موشک می رسه... اما...]

۲. [از محل انفجار، موجودات سایه وار و سیاه بیرون میان: یکی فریاد می زنه، یکی ناامیدی

تزییق می کنه، یکی می گه: «بیخیال زندگی شو!»]

۳. [این موجودات به مردم نزدیک می‌شن: یکی می‌خواد مرد تعمیرکار رو از کارش منصرف کنه، یکی می‌خواد مادر رو از خندوندن بچه منصرف کنه]
۴. [اما مردم حتی نگاهشون نمی‌کنن. مرد آچار رو محکم‌تر می‌گیره. مادر لبخند می‌زنه. کودک می‌رقصه.]

📌 نریشن:

«دشمن گاهی با بمب نمیاد، با ترس میاد.

اما ما یاد گرفتیم:

باور، قوی‌تر از ترسه.

و زندگی، قوی‌تر از هر سلاحیه.»

📌 هشتک‌ها:

#ضد_زندگی

#ادامه_یعنی_پیروزی

#نتانياهو_شلیک_ترس

۳. یادداشت کوتاه تحلیلی برای تلگرام یا بستر متنی

عنوان: جنگی برای تسلیم روح

متن:

نتانياهو فقط موشک شلیک نمی‌کنه. او داره ترس شلیک می‌کنه.

ترسی که نه فقط برای تخریب خانه، بلکه برای تخریب روح ماست.

شاید یک موشک خانه‌ای را خراب کند، اما وقتی ترس در دل‌ها بنشیند، کل جامعه از حرکت باز می‌ایستد.

دشمن امروز، به دنبال توقف چرخ زندگی ماست؛ با آژیر، با بمباران، با ناامیدی.
اما ما با لبخند، با ادامه دادن، با خندوندن بچه‌ها مون، با درست کردن غذا و نواختن ساز، ثابت می‌کنیم که

زندگی ما قوی‌تر از ترس شماست.

ما بلدیم بترسیم، ولی نایستیم.

بلدیم بلرزیم، ولی نریزیم.

بلدیم زندگی کنیم، حتی وقتی زندگی هدف حمله است.

 قالب چهارم: پادکست روایی

عنوان: وقتی موشک‌ها ترس می‌پاشن، ما زندگی می‌کنیم

 مدت زمان پیشنهادی: ۳ تا ۵ دقیقه

لحن: آرام، تأمل برانگیز، گاهی با چاشنی طنز

ساختار:

 (موسیقی آغازین - فضای تأمل و اندکی غم، مثل صدای پیانو با ضرب‌های آهسته)

گوینده (با لحن آرام):

آژیر که می‌کشد، همه می‌دوون موشکی در راهه.

ولی بعضی موشک‌ها، خونه نمی‌زنن...

روح می‌زنن.

زندگی رو نشونه می‌گیرن.

 [صدای انفجار خیالی - سپس سکوت کوتاه]

گوینده:

تتانیاهویه دکمه رو فشار می‌ده...

اما از دل اون انفجار، گاهی نه آتش درمیاد، نه دود...

بلکه یه مشت سایه دراز و سرد، با صورت‌های رنگ‌پریده...

یکی بهت می‌گه: «خسته‌ای دیگه، نه؟»

یکی می‌گه: «بچه‌تو چطور بزرگ کنی وسط این همه ترس؟»

یکی زمزمه می‌کنه: «شاید وقتشه دیگه وای‌نستی...»

 (موسیقی عوض می‌شه - ضرب‌آهنگ ملایم، تداعی‌کننده اراده و امید)

گوینده:

ولی یکی اونور شهر، داره چای می‌ریزه.

یکی داره با دخترش جدول حل می‌کنه.

یکی دیگه پشت موتور نشسته و سفارش آخرشو می‌رسونه.

آره... موشک خورده.

ولی زندگی؟

زندگی هنوز داره راه خودشو می ره.

 [افکت صدای خنده کودک، بوق نانوائی، رادیوی تاکسی]

گوینده:

ما شاید موشک رو نتونیم پس بزنیم...

ولی ترس رو چرا.

چون ما خوب بلدیم تو دل تاریکی، چراغ روشن کنیم.

 (موسیقی بسته شدن - صدا به آرامی پایین میاد)

گوینده (با تأکید پایانی):

تتانیاهو ترس می فرسته...

ولی ما زندگی رو پخش می کنیم.

و وقتی زندگی ادامه داره،

هیچ موشکی به هدف نمی خوره.

 هشتگ پیشنهادی برای اشتراک:

#پادکست_ضد ترس

#زندگی_ادامه_داره

#موشک_ترس_لبخند_مقاومت



ایده سوم:

«نشان دادن اینکه براساس ادبیات دینی، جهاد و جنگ یک اتفاق نیست بلکه بخشی از زندگی است»

بیان ایده:

نکته ای که وجود دارد این است که طبق ادبیات دینی، جهاد و جنگ اینگونه نیست که یک اتفاق غیرمنتظره ای در زندگی انسان مومن باشد بلکه بخشی از زندگی او است و باید در کنار بقیه کارهای زندگی اش، برای آن هم برنامه ریزی کند. همچنین جهاد موجب اختلال در زندگی اش به این معنا که دیگر تصور کند که زندگی اش تغییر آنچنانی کرده و در جریان نیست، نمی باشد.

توضیحات تکمیلی:

می توان یک موشن گرافی از صحبت های بعضی سخنران ها مثل استاد عابدینی یا استاد عابدی درباره جهاد و جنگ درست کرد. و یا می توان به صحبت های حضرت امام «ره» و حضرت آقا رجوع کرد و براساس ویژگی های یک انسان مومن مجاهد، موشنی طراحی کرد. این کار نیاز به تحقیق و پژوهش دارد.



ایده چهارم:

«چرا زندگیت جاری و عادی نباشه؟»

اگه فک کنن ترسیدی، وضعیت بدتر میشه!»

بیان ایده:

این نکته برگرفته از پیام دوم مقام معظم رهبری در طی این جنگ اخیر با اسرائیل هست که بر این نکته تاکید کردند و فرمودند: «من به ملت عزیزمان عرض میکنم همین آیهی شریفه را همیشه در نظر داشته باشید. زندگی بحمدالله به طور عادی در جریان است. نگذارید دشمن احساس کند که شما در مقابل او میترسید، احساس ضعف میکنید. اگر دشمن احساس کند که شما از او میترسید، دیگر گریبان شما را رها نخواهد کرد. همین رفتاری که تا امروز داشتید، این رفتار را باقوت ادامه بدهید. کسانی که امور خدماتی به عهدهشان است، کسانی که با مردم سروکار دارند، کسانی که امور تبلیغاتی و تبیینی بر عهدهشان است، کار خودشان را باقوت انجام بدهند و ادامه بدهند و به خدای متعال توکل کنند. وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ و خدای متعال ملت ایران را و حقیقت را و حق را، به طور قطع و یقین، پیروز خواهد کرد ان شاءالله»

قالبهای اجرایی:

میشه کلیپی دو قسمتی طراحی کرد که ابتدا مردم ترسیدن و کار و زندگی و کسب کارشون رو تعطیل کردند و دشمن هم توی مانیتوری داره میبینه و لبخندی میزنه و موشک یا حمله

میکنه و یا اینکه بیشتر حمله میکنه، و در ابتدای کلیپ هم نوشته بشه «اگه بترسی». بعد قسمت دوم کلیپ بیاد که هرچند ساختمان هایی آسیب دیدن یا عده ای مجروح شدند و یا عکس هایی از شهداء روی دیوارها نصب شده، ولی مردم بصورت عادی از کنار این ها میگذرند و کار و زندگی عادی شون رو انجام میدن، بعد دشمن رو نشون بده که توی مانیتور داره میبینه و هرچقدر موشک یا حمله میکنه، میبینه تغییری توی مردم ایجاد نمیشه و اونوقت خودش میترسه و خسته میشه و حملاتش رو کم کم میکنه. آخرش هم با تردید میخواد فرمان حمله بده و نمیدونه بده یا نه. بعد قسمت دوم نوشته بشه، اگه نترسی اینجوری میشه!



ایده پنجم:

«روایت ناظر به تحکیم خانواده و اجر بالای آن (موضوع منبر)؛ خانواده مقاومت»
بیان ایده:

یکی از ایده های خوب برای ماه محرم، موضوع «خانواده مقاومت» هست که مبلغین می توانند خانواده را به عنوان یک هسته مرکزی محور مقاومت مطرح کنند. این کار باعث می شود که آحاد افراد جامعه خود را در مقابل مقاومت مسئول بدانند.

قالب های اجرایی:

منبر و سخنرانی

می توان از دوره ای که مدرسه شمع در فاطمیه سال گذشته برگزار کرد، محتواهای مورد نیاز را فراهم کرد. موضوع سخنرانی استاد عابدینی در آن دوره، «تقویت خانواده به عنوان هسته مرکزی محور مقاومت» بود که می توانید به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://lms.shabaketabligh.ir/educations/khanevadeh-moghavem>



ایده ششم:

حفظ نقش قبلی + نقش جدید جنگی (بی تفاوت نباش / نرمال جدید)

بیان ایده:

در زمان جنگ، مردم اغلب بین دو گزینه گیر می کنند: «یا باید مثل همیشه زندگی کنم و بی خیال اخبار و وضعیت جنگی و... شوم» یا «باید همه چیز رو رها کنم و فقط درگیر جنگ بشم». این دوگانگی، فلج کننده است. ولی ما به یک مدل معنابخش جدید از زندگی نیاز داریم؛ مدلی که بگه: «تو نانوا باش، معلم باش، راننده باش، ولی حواست باشه الان وقت جنگه. تو نقش قدیمی تو داری، ولی با یک مأموریت جدید.»

ایده‌ی «نقش قبلی + نقش جدید» این نیاز رو برطرف می کنه. با عناوینی مثل «نرمال جدید» یا «بی تفاوت نباش» می شه این مفهوم رو به صورت جذاب، ساده و در عین حال پرمعنا به مردم منتقل کرد.

قالب های اجرایی:

۱. موشن گرافیک مفهومی - سری «نرمال جدید»

عنوان: نانوایی در خط مقدم سناریو: تصویر نانوایی سنتی. نانوا در حال ورز دادن خمیر است.

راوی با صدای آرام می‌گوید: «قبلاً فقط نان می‌پخت. حالا هم نان می‌پزد، و پیام مقاومت را هم در صف نان منتقل می‌کند.» تصویر دوم: او روی هر بسته نان، کلمه‌ای چسبانده: "با هم"، "پشت هم"، "امید". مردم با لبخند نان را می‌برند.

راوی: «او هنوز نانواست. فقط نقش جدیدی دارد. این، نرمالِ جدید ماست.»

تیزر پایانی: «تو هم نقش تو پیدا کن.»

۲. سری تصویرسازی و پوستر - عنوان: «نقش جدیدت چیه؟»

پوستر ۱: تصویر: معلمی در کلاس، تخته سیاه، بچه‌ها با دقت گوش می‌دن. در پشت‌زمینه، پرچم ایران روی تخته، و در گوشه تخته نوشته شده: «مقاومت، یعنی ادامه‌ی آموزش» / او هنوز معلمه. ولی حالا کلاسش، بخشی از جبهه است. نقش جدیدش؟ پرورش سربازان حقیقت.

پوستر ۲: راننده تاکسی با گوشی‌اش در حال پخش اخبار در ماشین. شاگرد عقب ماشین، سوال می‌پرسه. راننده جواب می‌ده. / او هنوز راننده‌ست. ولی حالا راوی واقعیات هم هست. نقش جدیدش؟ انتقال آگاهی توی هر مسیر.

پوستر ۳: مادری در حال آشپزی / کودکش با لباس خاکی مقوایی که خودش ساخته. / «اون جنگ رو بازی می‌کنه. تو زندگی رو ادامه بده. اینم جبهه‌ست.»

۳. پویش مردمی

نام کمپین: #بی‌تفاوت_نباش / #نقش_جدیدم

هدف: مردم نقش‌های روزمره‌شون رو بنویسن، و نقش جدیدشون در شرایط جنگ رو هم کنار اون ثبت کنن و در شبکه‌های اجتماعی منتشر کنن.

مثال‌ها: نانوا هستم + پیام‌رسان همبستگی در محله‌ام

معلم هستم + مربی آگاهی بخش نسل ایستادگی

مادر هستم + حافظ امید خانواده در شرایط سخت

راننده ام + راوی خبرهای واقعی برای مسافران

۴. یادداشت شبکه های اجتماعی - با زبان احساس و روایت

تیتراژ: زندگی همون زندگیه، فقط نگاه ما فرق کرده

متن: تو هنوز داری سر کار میری، هنوز توی ترافیک گیر می کنی، هنوز داری لباس

می دوزی، درس می دی، می خندی، با بچه ات بازی می کنی. اما الان وقتشه بفهمیم همین

کارا دیگه فقط زندگی نیستن.

هر مهری که روی برگه ارباب رجوع می زنی یعنی پایداری. هر خنده پشت ترافیک به ماشین

بغلی یعنی امید. هر تدریس یعنی تداوم.

نقشتو فراموش نکن. تو توی جبهه ای. فقط تفنگ نداری.

۵. کلیپ کوتاه Reels // استوری

عنوان: «نقش جدیدم»

ساختار: سکانس های کوتاه از افراد مختلف در حال کار: نانوا، معلم، مکانیک، مادر،

دانش آموز، راننده.

زیرنویس کنار هر نفر ظاهر می شه:

معلم ریاضی / نقش جدید: سازنده نسل مقاومت

آشپز غذای خانگی / نقش جدید: حافظ گرمای خانه در دل جنگ

مکانیک / نقش جدید: نگهدارنده حرکت

پایان: «نقش قدیم تو حفظ کن. نقش جدید تو پیدا کن.»

۶. فیلم کوتاه

عنوان: درجه دار

مدت: ۲ یا ۳ دقیقه

سکانس اول:

خانه‌ای معمولی. زن جوان دارد ظرف می‌شوید. صدای اخبار از تلویزیون می‌آید: «حملات رژیم صهیونیستی به مناطق مختلف ایران عزیزمان ادامه دارد...».

او نگاهی به تلویزیون می‌اندازد و به آرامی رویش را بر می‌گرداند. در این لحظه، تصویر تغییر می‌کند: لباسش دیگر لباس خانه نیست. تبدیل شده به یونیفرم نظامی با آرم کوچکی از پرچم ایران. درجه‌ای ساده روی شانه‌اش دیده می‌شود. او با صلابت به ظرف‌ها نگاه می‌کند و دوباره مشغول کار می‌شود.

سکانس دوم:

جوانی در اتاق خواب. نشسته و دارد با گوشی ور می‌رود. ناگهان متوجه صدای گریه‌ای از حیاط پشتی می‌شود. از پشت پنجره نگاه می‌کند: پیرزنی از همسایه زمین خورده. سریع گوشی را زمین می‌گذارد، بلند می‌شود، دمپایی‌اش را می‌پوشد.

هم‌زمان با بلند شدن، تصویر تغییر می‌کند: لباسش نظامی شده، کلاه ساده‌ای بر سر دارد. می‌دود سمت در. درجه‌ای روی لباسش ظاهر می‌شود.

سکانس سوم:

دانش‌آموزی در حال نوشتن انشا. کلمات روی دفتر: «چرا باید در این شرایط زندگی کنیم؟» لحظه‌ای فکر می‌کند. سپس لبخند می‌زند و شروع به نوشتن می‌کند: «چون زندگی یعنی ایمان و ایستادگی...»

در نمای بالا، وقتی در حال نوشتن است، لباس مدرسه‌اش تبدیل به یونیفرم رسمی ارتشی می‌شود. درجه روی شانه‌اش: «سرباز روایت»

پلان نهایی (مشترک):

سه تصویر پشت سر هم: زن در آشپزخانه، در حال آماده‌سازی غذا / جوان در کوچه، در حال کمک به همسایه / دانش‌آموز در حال نوشتن در هر تصویر، یونیفرم نظامی با درجات مختلف حفظ شده.

راوی یا نوشته روی صفحه: «این جنگ فقط در میدان نیست...» «تو، با کار کوچکت، سربازی.» «نقش جدیدت رو پیدا کن.»

۷. یادداشت تحلیلی

عنوان: «نرمال جدید»؛ وقتی زندگی، خودش نوعی مقاومت می‌شود.

در روزگار جنگ، همه چیز به نظر می‌رسد که باید تعطیل شود: کار، تفریح، آموزش، برنامه‌های آینده... اما آن‌چه در تاریخ ملت‌ها، به‌ویژه ملت‌های مقاوم، بارها دیده‌ایم این است که جنگ فقط میدان نبرد نیست؛ جنگ میدان معناست.

در شرایط بحران، جامعه نیاز دارد بفهمد که چگونه می‌تواند هم‌زنده بماند و هم با عزت ادامه دهد. اما چگونه؟ پاسخ، همان چیزی است که امروز به آن «نرمال جدید» می‌گویند. نرمال جدید یعنی اینکه مردم همان مشاغل و زندگی‌های عادی خود را ادامه می‌دهند، اما با آگاهی و مسئولیت اجتماعی جدید. معلم، هنوز معلم است، اما حالا وظیفه دارد ذهن مقاوم تربیت کند. نانوا، هنوز نان می‌پزد، اما هر نانی که می‌دهد، گرم‌کننده دل یک محله در محاصره است.

حتی کودکی که دارد بازی می‌کند، نقش جدیدی دارد: او نماد امید نسل بعدی است.

اگر در عصر بمب و سایبر، زندگی عادی توأم با آگاهی، تبدیل به مقاومت شود، آنگاه جنگ فقط با اسلحه پاسخ داده نمی‌شود، بلکه با ادامه‌ی باشکوه زندگی شکست می‌خورد. شاید امروز بیش از همیشه به یادآوری این نکته نیاز داریم: در خط مقدم بودن، همیشه به معنی داشتن اسلحه نیست. گاهی فقط باید سر کار بروی، در کلاس حاضر شوی، غذا درست کنی، و حواست باشد که چرا این‌ها مهم‌اند. زندگی، اگر آگاهانه باشد، خودش تبدیل به جبهه می‌شود.



ایده هفتم:

زندگی ما جاریه ولی زندگی تو نه!

(خطاب به اسرائیلی)

بیان ایده:

در دل جنگ، طبیعی است که ترس، توقف و اضطراب به زندگی سایه بیندازد. اما نیاز حیاتی ما این است که بگوییم و نشان دهیم: «زندگی ادامه دارد». چرا؟ چون ادامه داشتن زندگی، نشانه پایداری، امید و شکست ناپذیری ماست. ایده‌ی «زندگی ما جاریه، ولی زندگی دشمن نه» دقیقاً این نیاز را تأمین می‌کند. با تأکید بر استمرار زندگی در میان مردم ما، در حالی که طرف مقابل دچار فروپاشی اجتماعی، اضطراب مدنی و بی‌ثباتی روانی شده، نه تنها واقعیت صحنه جنگ را روایت می‌کنیم، بلکه مردم را به ادامه حیات طبیعی‌شان در کنار مقاومت تشویق می‌کنیم. این ایده، جنگ را از میدان نبرد به میدان معنا گسترش می‌دهد و روایت را از ویرانی به پایداری تغییر می‌دهد.

قالب‌های اجرایی:

۱. کلیپ کوتاه

عنوان: «صبحانه در پناهگاه»

لیلا، مادر دو کودک است. صدای آژیر خطر که می‌آید، بچه‌ها را آرام به آغوش می‌گیرد. به جای ترس، نان تازه‌ای که از صبح آماده کرده، بیرون می‌آورد. بچه‌ها با لبخند صبحانه می‌خورند. مردها داخل کوچه هستند برای کمک به حل آسیب‌های احتمالی محله. یکی برق را تعمیر می‌کند، دیگری دارو می‌رساند. از آن طرف، فیلمی در شبکه‌های اسرائیلی پخش می‌شود: مدرسه‌ای متروک، خیابانی خالی، مردمی فراری، اضطراب، گریه... راوی می‌گوید: «در تل‌آویو، زندگی متوقف شده...»

اما اینجا، در ایران، در همین لحظه، علی با لگد توپ پلاستیکی‌اش به دیوار شوت می‌زند و مادرش می‌خندد: «مواظب باش...»

۲. پوستر

پوستر ۱: نصف پوستر نمایی از یک خانواده‌ی فلسطینی را نشان می‌دهد در حال چیدن میز غذا در پناهگاه. نور ملایم خورشید از درز در وارد شده و لبخند روی لب پدر است. نصف دیگر پوستر تصویری از پناهگاه اسرائیلی است: مردمی آشفته، زنی که بچه‌اش را سفت گرفته، فضای تیره و مضطرب.

متن روی پوستر: «زندگی ما ادامه دارد. ولی تو چی؟»

پوستر ۲: دو قاب. سمت راست: کودک ایرانی با صورت خاکی اما لبخند روی لب، توپ پلاستیکی در دست. سمت چپ: نوجوان اسرائیلی در پناهگاه، با موبایل، وحشت‌زده.

متن: «وقتی تو دنبال فرار از زندگی‌ای... که ما وسط جنگ ساختیمش.»

۳. کلیپ

ترکیب تصاویر: تصاویر واقعی از نانوایی فعال در ایران، بازارچه‌ای شلوغ، بازی بچه‌ها در خرابه‌ها. / در کنار آن، تصاویر رسمی از خبرگزاری‌های اسرائیلی: خیابان‌های خالی، تعطیلی مدارس، صف‌های طویل سوپرمارکت‌ها، مصاحبه مردم ناراضی. موسیقی: ملودی حماسی آرام، با صدای کودک فلسطینی که می‌گوید: «ما جنگو دیدیم. ولی بازی هم کردیم. مامان نون تازه درست کرد. بابام می‌گه زندگی رو هیچ‌کی نمی‌تونه از مون بگیره.»

تیزر انتهایی با شعار: «ما زندگی می‌کنیم. شما چی؟»

۴. موشن گرافیک

عنوان: جنگِ روایت‌ها

سناریو: در این موشن، ابتدا با گراف‌هایی از افزایش اضطراب اجتماعی در اسرائیل شروع می‌کنیم (نقل از اخبار رسمی). سپس آمار فعالیت مدارس، نانوایی‌ها، داروخانه‌ها و پویش‌های محلی در ایران نمایش داده می‌شود. گرافیک به دو نیم تقسیم می‌شود: «جامعه در حال فروپاشی» در برابر «جامعه در حال ایستادگی». پیام پایانی: «جنگ فقط گلوله نیست. زندگی هم سلاح ماست.»

۵. یادداشت کوتاه در شبکه‌های اجتماعی

تیتراژ: زندگی ما ادامه داره، حتی وسط جنگ

متن: توپ پلاستیکی علی هنوز می‌چرخه، حتی وقتی صدای انفجار نزدیکه. مامان لایلا هنوز نون گرم می‌پزه. بابای زهرا هنوز تو خیابون دارو پخش می‌کنه. ایران، همین حالا، وسط دود و آوار، داره زندگی می‌کنه. اونور، تل‌آویو؟ درهای پناهگاه‌ها قفل شده، کلاس‌ها تعطیل، اضطراب تو کوچه‌ها موج می‌زنه.

ما انتخاب کردیم زندگی کنیم. شما چی؟

۶. پویش مردمی

نام پویش: #زندگی_در_میان_جنگ

هدف: تولید محتوای واقعی از زندگی جاری در فلسطین، در قالب ویدیوهای کوتاه، عکس، نقل قول روزانه مردم، یا حتی آشپزی و بازی بچه‌ها.

دعوت عمومی: از هنرمندان، خبرنگاران، فعالان رسانه‌ای دعوت می‌شود تا لحظه‌هایی از زندگی جاری در مناطق مقاومت را ثبت و در این کمپین منتشر کنند. تمرکز بر تضاد «ادامه حیات» در ایران و «اضطراب و ایست» در اسرائیل.



ایده هشتم:

تصویرسازی شهداء در حال کمک به مردم برای زندگی عادی
(ما رفتیم تا شما زندگی کنید)

بیان ایده:

در دل بحران‌ها، وقتی سؤال «چرا باید ادامه بدهیم؟» یا «آیا می‌شود در این شرایط عادی زندگی کرد؟» پیش می‌آید، نیاز به معنابخشی داریم. نیاز داریم باور کنیم که زندگی کردن در این وضعیت، نه بی‌خیالی است و نه فرار از مسئولیت، بلکه دقیقاً ادامه همان مسیری است که شهدا برایش جنگیدند. با تصویرسازی شهدا در حال کمک به مردم برای زندگی عادی، این پیام منتقل می‌شود که آن‌ها جان دادند تا ما بتوانیم نان بپزیم، مدرسه برویم، بازی کنیم، خانواده بسازیم، بخندیم.

زندگی ما نه تنها پشت پا زدن به شهادت نیست، بلکه تداوم راه آن‌هاست. این ایده، روایت شهید را از مرگ به زندگی پیوند می‌زند.

قالب‌های اجرایی پیشنهادی

۱. تصویرسازی (پوستر و گرافیک داستانی)

مجموعه: «شهدای زنده در کنار زندگی»

صحنه اول: حاج قاسم سینی چای به دست دارد و به یک زن مسن در حال پخت نان کمک می‌کند. لبخندش آرام است، نگاهش به افق.

صحنه دوم: شهید باقری کتابی را به دست یک کودک مدرسه‌ای می‌دهد، زیر درختی که تازه سایه انداخته.

صحنه سوم: شهید حاجی‌زاده در تعمیرگاه، کنار یک جوان مکانیک نشسته و دارد با او درباره تنظیم ابزار کار صحبت می‌کند.

صحنه چهارم: شهید سلامی کنار بچه‌ها در خرابه‌ای بازی می‌کند. توپ پلاستیکی، خنده، نور خورشید.

صحنه پنجم: شهید طهرانچی کنار دانشجو در امتحان آخر ترم و اشاره به جواب صحیح.

صحنه ششم: شهید عباسی نشسته کنار صندلی داوطلب کنکور

متن پایین تصاویر: «رفتند تا بمانیم... بمانیم و زندگی کنیم».

۲. کلیپ/موشن گرافیک احساسی

عنوان: «تا تو زندگی کنی»

مدت: حدود ۱:۳۰ تا ۲ دقیقه

سناریو: تصاویر واقعی از زندگی مردم: نانا که آرد را در تنور می‌ریزد، مادر که بچه‌اش را مدرسه می‌برد، جوانی که عروسی‌اش را آماده می‌کند... در لحظات حساس، فریم آهسته می‌شود و شهیدی در صحنه ظاهر می‌شود (به صورت گرافیکی نورانی یا نقاشی دیجیتال): شهید در کنار نانواست. دست روی شانه‌اش می‌گذارد. شهید کنار مادر است. لبخند می‌زند. شهید در عروسی، از دور دست می‌زند.

صدا: راوی با صدایی آرام می‌گوید:

«ما رفتیم تا تو بمانی... بمانی و بخندی، بخوانی، بسازی، نان پیزی، نفس بکشی...»
تیزر انتهایی با شعار: «زندگی کن، که ما برای همین رفتیم».

۳. پویش مردمی با هشتگ

نام کمپین: #برای_زندگی_رفتند

هدف: اشتراک گذاری لحظات زندگی عادی مردم (مثلاً پخت غذا، بازی با بچه، تدریس، ورزش، نماز، کار) همراه با جمله‌ای مثل: «من دارم زندگی می‌کنم، چون کسی جان داد تا این لحظه امن باشه.» یا «اگر امروز سر کلاس نشستم، اونه که روی مین رفت تا کلاس باشه».

مردم عکس/فیلم‌های خود را با این متن و هشتگ #برای_زندگی_رفتند در شبکه‌ها منتشر می‌کنند. صفحات شهدا می‌توانند این پویش را بازنشر دهند.



ایده نهم:

زندگی جاری است

بیان ایده:

ضرب المثل ژاپنی داریم که میگوید «به خاطر میخی، نعلی افتاد، به خاطر نعلی، اسبی افتاد، به خاطر اسبی، سواری افتاد، به خاطر سواری، جنگی شکست خورد، به خاطر شکستی، مملکتی نابود شد» یک ضرب المثل معروف ژاپنی است که اهمیت کارهای کوچک و تأثیر آنها بر رویدادهای بزرگ را نشان می‌دهد. حال با محوریت این ایده، باید اهمیت انجام کارهای روزمره در شغل‌های خدماتی و حتی غیر خدماتی نشان داده شود. به این معنا که هر کاری که کوچکترین کار ما مثل فروش مواد غذایی در چرخه‌ی امنیت کشور موثر است و استقرار را در کشور بوجود می‌آورد بنابراین نباید آن را کم بشماریم.

قالب‌های پیشنهادی:

کلیپ/موشن: با همین الگو یک سلسله مصادیق مرتبط به هم نشان داده شود که مثلاً با انجام وظیفه توسط هر شخص یک دفاع از کشور صورت می‌گیرد و پدافند به درستی عمل می‌کند.

کلیپ/ریلز اینستا: یک شخص همین داستان را با یک بیان خوب و با تطبیق بر مصادیق امروزی نشان دهد.

کلیپ/هندموشن/رئال موشن: اجرای این سناریو به صورت هند موشن می تواند تاثیرگذاری به سزایی داشته باشد.

پوستر: نماد چرخنده الگوی خوبی برای اتصال وظایف اجتماعی به یکدیگر است. طوفان توییتری: جستار نویسی از فعالیت های عادی روزانه با هشتگ «زندگی جاری است» یا «همون همیشگی» می تواند در جریان سازی این ایده موثر باشد.



ایده دهم:

به جای شما زندگی می‌کنیم

بیان ایده:

در حملات اخیر رژیم صهیونیستی، تعداد زیادی از هموطنان از اقشار مختلف به شهادت رسیدند. می‌خواهیم بگوییم ادامه دادن به زندگی عادی، درواقع پاسداشت این شهیدان و پایمال نکردن خون آن‌ها است. به بیان دیگر، شهادت این شهیدان، بهانه و انگیزه‌ای برای ادامه زندگی عادی و پاسخی به حملات رژیم صهیونیستی است.

قالب‌های پیشنهادی:

۱. موشن گرافی: از اقشار و سنین مختلف، مردمی نشان داده شوند که به دلیل حملات اسرائیل، ترسیده‌اند یا انگیزه ادامه فعالیت و زندگی را ندارند. پس از آن شهادتی از همان صنف و هم نوع، نزد آنها می‌رود و دست آنها را می‌گیرند تا آنها به زندگی ادامه دهند. مثلاً یک پزشک شهید (با اسم و تصویرسازی واقعی اش) سراغ یک پزشک ناامید می‌رود. یک ورزشکار و... همینطور...

۲. پخش پوسترهای عمومی: پوسترهایی از تصاویر و نام یک یا چند تن از شهدای حمله اخیر طراحی و چاپ شوند، و روی آن‌ها، شعار «به خاطر شما ادامه می‌دهیم» یا «به جای شما زندگی می‌کنیم»، یا «همچنان زندگی در جریان است» و... نوشته شود و به افرادی که می‌توانند این نوشته را در معرض عموم قرار دهند، داده شود. مثل راننده تاکسی‌ها، شیشه مغازه‌ها، در خانه‌ها و...



ایده یازدهم:

به زندگی (عادی) ادامه می‌دهم چون...

بیان ایده:

دلایل ادامه زندگی عادی در این شرایط، توسط مردم، یا توسط مجری ایده به صورت مهندسی شده بیان می‌شود تا با ترس و ناامیدی و کم‌انگیزگی ناشی از شرایط جنگی مقابله کند.

قالب های پیشنهادی:

۱. پویشهای مردمی: پویشهای تلویزیونی که در آن مردم به صورت پیامک یا ویس و فیلم، دلایل خود را بیان می‌کنند. یا به صورت نظرسنجی در کانالهای پرمخاطب انجام شود. یا اینکه دلایل (اعم از مردمی و ساختگی) به صورت هشتک مشترک و پیامهای متعدد در توئیتر و... سایر بسترهای موجود منتشر شود.

۲. مصاحبه: می‌توان این سوال را از مردم پرسید که دلیلشان برای ادامه زندگی خود را بیان کنند.

۳. بوم‌های خیابانی: این عنوان که «به زندگی عادی ادامه می‌دهم چون...»، «به زندگی ات ادامه بده هموطن چون...» در یک دیواره در مکانهای شلوغ نسب شود تا مردم نظراتشان را بنویسند.



ایده دوازدهم:

مگه جنگ نیست پس چرا...

بیان ایده:

به جای اینکه این مفهوم را برسانیم که باید زندگی عادی در جریان باشد، اتفاقاً این سؤال مطرح می‌شود که چرا به صورت عادی به زندگی خود ادامه می‌دهند؟

قالب های پیشنهادی:

۱. مصاحبه: در حالی که مردم در اقشار مختلف مشغول زندگی عادی (مثل خرید و فروش، تفریح، شرکت در اجتماعات و...)، از آنها این سوال پرسیده می‌شود که چرا در چنین شرایط جنگی به خرید و فروش، تفریح و... مشغول هستید؟ آیا نمی‌ترسید؟ اگر الان حمله شود چه؟ در این مصاحبه ها، میتوان اظهارات (متنی و تصویری) مقامات اسرائیلی و آمریکایی مبنی بر اینکه میخواهیم زندگی مردم را ناامن کنیم پخش شود تا خشم مردم بیشتر تحریک شود...

۲. فیلم: با هوش مصنوعی فیلمی از ترامپ یا نتانیاهو باشد که خطاب به همدیگر، یا خطاب به مردم ایران، از در جریان بودن زندگی در ایران عصبانی هستند. می‌توان فیلمهای ساخته شده از پاسخ مردم به این اظهارات را بیان کرد.

۳. موشن گرافی و پوستر: ترامپ و نتانیاهو به صورت دو شیطان باشند (همراه با نمادهای شیطانی مثل شاخ و نیزه در دست و...)، بر دو طرف شانه اقشار مختلف که در حال تلاش برای برگرداندن مردم از زندگی عادی هستند.



ایده سیزدهم:

«تبیین اینکه زندگی عادی، راه مقابله با جنگ است»

بیان ایده:

باید این نگاه که ادامه دادن به زندگی عادی، خودش راه مقابله ما با حملات دشمن است به مخاطب القاء شود. مقام معظم رهبری نیز در پیام دوم خود، بر ضرورت ادامه دادن به زندگی عادی تأکید کردند. باید زندگی عادی، نوعی مبارزه تلقی شود و ادامه ندادن به زندگی عادی و ترسیدن، شکست در برابر دشمن.

قالب های پیشنهادی:

فیلم، موشن گرافی و پوستر: تصاویر سازی هایی با این هدف انجام پذیرد که زندگی عادی مردم را به عنوان یک اقدام دفاعی جلوه دهیم. مثلاً: بانویی که در خانه مشغول کار خانه است، لباس او تبدیل به لباس نظامی می شود. یا نانوا و راننده تاکسی و....

مثال دیگر اینکه خدماتی که مردم در زندگی عادی ارائه می دهند، به دست نیروهای مسلح می رسد. مثلاً راننده تاکسی که برمیگردد پول را بگیرد، میبند مسافرش لباس نظامی پوشیده است.

مثال دیگر اینکه خانه هایی که به زندگی عادی مشغول هستند، حاله هایی تشکیل می دهند که مانند پدافند عمل می کند و جلوی حمله دشمن را می گیرد. یا مثلاً لوله ها و شلنگ های سوخت به این خانه ها متصل است و سوخت موشکها و... از این خانه ها تأمین می شود و...